

پژوهش‌نامه قرآن و حدیث

Pazhouhesh Name-ye Quran Va Hadith

No. 36, Spring & Summer 2025

شماره ۳۶، بهار و تابستان ۱۴۰۴

صفحه ۳۴۷ - ۳۷۰ (مقاله پژوهشی)

"دُنْيَا" در قاب "خانه": تحلیلی شناختی در زبان نهج‌البلاغه براساس نظریه استعاره شناختی

آفرین زارع^۱

(تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۴/۰۴/۲۱ – تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۴/۰۵/۱۲)

چکیده

از آنجا که شناخت و درک جامع دنیا برای انسان‌ها حیاتی است و در بقاء و پیشرفت فردی و اجتماعی ایشان نقش بسزایی دارد، معرفی آن به صورت ملموس و قابل فهم برای بشر همواره از اولویت‌های متون مقدس اسلامی بوده است. بهترین شیوه برای انجام این مهم، استفاده از حوزه‌های عینی یا حداقل کمتر انتزاعی است؛ این همان است که امروزه به عنوان نظریه استعاره شناختی شناخته می‌شود (درک یک حوزه از طریق حوزه دیگر). نهج‌البلاغه به عنوان یک فرهنگ‌نامه جامع انسانی برای تمام بشریت، دنیا را بهطور دقیق و با استفاده از حوزه‌های مبدأ متعدد مفهوم‌سازی کرده است. از جمله این حوزه‌ها، "خانه" است. پژوهش حاضر با روش توصیفی، تحلیلی و تحلیل محتوای کیفی با رویکرد معنی‌شناسی شناختی به بررسی فرافکنی حوزه مبدأ "خانه" بر حوزه مقصد "دنیا" می‌پردازد تا ببیند در این فرافکنی چه ویژگی‌ها و عناصری از مبدأ بر مقصد انتباط یافته و این استعاره شناختی در درک انسان از "دنیا" چه نقشی دارد. از مهم‌ترین نتایج پژوهش آن است که در بررسی این فرافکنی، ویژگی‌های خاصی مانند پیچیده شدن با بلا، شهره‌بودن به خیانت، مشقت، دگرگونی احوال و ... از "خانه" به عنوان حوزه مبدأ بهطور مؤثر بر حوزه مقصد (دنیا) نگاشت شده که در تجربیات ما کمتر مورد توجه قرار می‌گیرد.

کلید واژه‌ها: دنیا، خانه، استعاره شناختی، نگاشت، نهج‌البلاغه.

۱. دانشیار بخش زبان و ادبیات عربی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران؛ dr.afarin.zare@gmail.com

۱. بیان مسائله

مطالعات معنی‌شناسی شناختی نقش عمدہ‌ای برای استعاره شناختی قائل است و جایگاه آن را نه در زبان، بلکه در شیوه‌ای می‌داند که ما یک حوزه ذهنی را از طریق حوزه ذهنی دیگر مفهوم‌سازی می‌کنیم که در زبان نمود می‌یابد (Lakoff/ 1 & Kövecses/ 4). نظر به اینکه متون دینی از جمله نهج‌البلاغه به دنبال متحول کردن اندیشه بشر و در پی آن اصلاح رفتار و گفتار او است تا زندگی سالم همراه با آرامش دنیوی و رستگاری اخروی را به وی هدیه دهد، فضاهای استعاری مناسب را می‌آفریند و حقایق انتزاعی را از طریق استعاره شناختی تبیین می‌کند. یکی از حقایق مجردی که امیرالمؤمنین(ع) در نهج‌البلاغه توجه ویژه‌ای به مفهوم‌سازی آن داشته‌اند مفهوم "دنيا" است. از جمله روابط مکانی‌ای که امیرالمؤمنین(ع) از آن برای صورت‌بندی دنیا استفاده کرده‌اند "خانه" است. "خانه" که زیر مجموعه "ساختمان" از حوزه‌های مبدأ رایج و پرسامد در استعاره‌های شناختی در دنیا می‌باشد (Kövecses/۱۹)، در زندگی انسان، رشد، تکامل و موفقیت او نقش حیاتی دارد. در زبان نهج‌البلاغه، با استفاده از استعاره شناختی دنیا خانه است، عناصر و ویژگی‌هایی از حوزه "خانه" بر حوزه "دنيا" فرافکنی شده است. پژوهش حاضر بر آن است تا با روش توصیفی-تحلیلی و تحلیل محتوای کیفی با رویکرد معنی‌شناسی‌شنناختی به بررسی فرافکنی حوزه مبدأ "خانه" بر حوزه مقصد "دنيا" بپردازد تا ببیند در این فرافکنی کدام عناصر و ویژگی‌ها از حوزه مبدأ در مفهوم‌سازی حوزه مقصد به خدمت گرفته شده‌اند و این استعاره شناختی در درک انسان از "دنيا" چه نقشی دارد.

۲. مقدمه

پیش از پرداختن به اصل مقاله، بیان نکات زیر ضروری است:

۱-۲. اهمیت و ضرورت پژوهش

درک ماهیت دُنیا به عنوان فضایی که انسان در آن متولد می‌شود، زندگی می‌کند، با چالش‌ها، فرصت‌ها و وسوسه‌های گوناگونی روبرو و از طریق آنها آزموده می‌شود، با انتخاب‌های خود، مسیر خویش را به سوی کمال یا انحراف تعیین می‌کند و از آن به عالم دیگر منتقل می‌گردد، برای انسان حیاتی است. از سوی دیگر دُنیا و پدیده‌های آن مظاهر قدرت، رحمت و حکمت آفریدگاری هستند که کار بیهوده نمی‌کند. شناخت دُنیا، به شناخت بهتر صفات الهی و عظمت آفرینش کمک می‌کند و در تقویت ایمان و تعمیق معنویت نیز نقش بسزایی دارد. از آنجا که انسان از کودکی اشیاء را براساس روابط مکانی آنها با اشیاء دیگر می‌فهمد و این مدل را برای فهم حوزه‌های دیگر و ساختار بخشیدن به آنها نیز به کار می‌برد، این روابط نقش مهمی در مفهومسازی به خصوص مفهومسازی حقایق مجرد دارند. خانه اولین و مهم‌ترین مکان سکونت و حریم خصوصی است که انسان با آن ارتباط برقرار می‌کند؛ در آن رشد می‌کند و بزرگ می‌شود، روز خود را در آن آغاز می‌کند و شب را در آن به صبح می‌رساند و هیچ مکانی برای انسان مانند "خانه" نیست. بنابراین، شناخت دُنیا از طریق خانه برای هر انسانی ضروری است و تردیدی نیست که شناختی که از دریچه متون مقدس از جمله نهج‌البلاغه حاصل می‌شود، دقیق و کامل است.

۲-۲. پیشینه پژوهش

در پژوهش‌های گوناگون، نهج‌البلاغه براساس نظریه استعاره شناختی مورد بررسی قرار گرفته که نویسنده در مقاله‌های قبلی خود (2022a, 2022b, 2023a, 2023b, 1403) به معرفی آنها پرداخته است؛ در ادامه جدیدترین پژوهش‌ها معرفی می‌شود:

- جلیلی (۱۴۰۱). پژوهشگر ضمن اشاره به تفاوت استعاره مفهومی با استعاره سنتی، به تبیین انواع استعاره از نظر نقش پرداخته و بر آن شده تا با روش توصیفی-تحلیلی و با تکیه بر نظریه استعاره مفهومی، مفهوم هوای نفس در نهج‌البلاغه را بشناسد. نتایج پژوهش نشان می‌دهد امیر مؤمنان(ع) در مفهومسازی هوای نفس از استعاره‌های وجودی و

ساختاری بهره برده و در این راستا مفاهیمی چون: رقابت، بی‌تحرکی، سرکشی، مبارزه همیشگی مورد توجه قرار گرفته است.

- کدخدایی و همکاران (۱۴۰۲). با توجه به نقش مهم استعاره مفهومی در تبیین مفاهیم انتزاعی به ویژه در متون دینی، نویسنده‌گان با هدف آگاهی از چگونگی قابل درک‌ساختن مبحث خداشناسی برای مخاطب، با رویکرد کیفی و روش توصیفی - تحلیلی به جستجو در خطبه‌های نهج‌البلاغه پرداخته و دریافته‌اند امیر المؤمنین (ع) به منظور ارائه تصویر روشنی از موضوع مورد نظر، غالباً استعاره‌های هستی‌شناختی را به کار برده و با جاندارپنداری، پروردگار را به مثابه انسان به تصویر کشیده، سپس صفات انسان‌گونه را از ساحت ربوی نفی کرده است. از نتایج پژوهش همچنین بر می‌آید که امام علی(ع) در مواردی نیز از حوزه مفهومی دریا برای تبیین مفهوم خداوند استفاده کرده‌اند.

- علی‌محمدی، علی‌نژاد و دهقانی (۱۴۰۲). از آنجا که در متون دینی مفاهیم انتزاعی فراوان و نظریه استعاره شناختی در تسهیل عینی‌سازی این مفاهیم از کارآمدی بالایی برخوردار است، پژوهشگران، آن دسته از مفاهیم انتزاعی را که در قرآن کریم و نهج‌البلاغه از طریق حوزه محسوس لباس و پوشش صورت‌بندی شده، استخراج و با روش توصیفی - تحلیلی و براساس نظریه استعاره شناختی لیکاف و جانسون تحلیل کرده‌اند. نتایج حکایت‌گر آن است که مفاهیم تقوا، گرسنگی، ترس، شب و ارتباط زناشویی در قرآن و میانروی، عزت، جهاد، کرامت، عافیت، تغییر احکام صحیح اسلامی و تواضع، حوزه‌های مقصدی هستند که با استفاده از حوزه مبدأ لباس عینی‌سازی شده‌اند.

- کدخدایی و همکاران (۱۴۰۲). نویسنده‌گان به منظور آشنایی با اندیشه امام علی (ع) در خصوص عشق، با رویکرد کیفی و روش توصیفی - تحلیلی، عبارات استعاری دربردارنده این مفهوم را از نهج‌البلاغه استخراج و طبق نظریه استعاره مفهومی مورد تحلیل و بررسی قرار داده‌اند. قابل درک‌ساختن مفهوم انتزاعی عشق در قالب استعاره‌های ساختاری با استفاده از حوزه‌های مبدأ حجاب، بیماری، کالا و شیء، استفاده از

استعاره‌های هستی شناختی و طرح‌واره‌های حجمی و حرکتی توسط امیرالمؤمنین (ع) از یافته‌های این پژوهش است.

- توکل‌نیا و میرحسینی (۱۴۰۲). نظر به اهمیت امامت و ولایت به عنوان مهم‌ترین مؤلفه هویتی شیعه، نویسنده‌گان با استفاده از زبان‌شناسی شناختی و رویکرد لیکاف و جانسون به استعاره، مهم‌ترین استعاره‌های مفهومی ساختاری نهج‌البلاغه را در تبیین مفهوم امامت و جایگاه اهل‌بیت(ع) بررسی کرده‌اند. به کارگیری حوزه‌های مفهومی نور، سفر و حرکت، حیات و مرگ به عنوان پر بسلم‌ترین حوزه‌های مبدئی که مفاهیم آنها بر مفاهیم متناظر در حوزه مقصد نگاشت شده، از نتایج این پژوهش است.

مطالعه پژوهش‌های پیشین معرفی شده در این مقاله و مقالات قبل نشان می‌دهد تاکنون پژوهشی که کلیه مفهوم‌سازی‌های حوزه "دُنیا" را بر اساس حوزه "خانه" براساس نظریه استعاره شناختی از زبان نهج‌البلاغه استخراج و تحلیل کرده باشد، انجام نشده است.

۳-۲. مبانی نظری

استعاره شناختی که محصول نگاشت ساختار یک مفهوم مبدأ بر روی یک مفهوم مقصد است (Ungerer & Schmid/ 118)، ابزار ما برای درک مقوله‌هایی مانند احساسات، زمان، ایده‌ها و... می‌باشد که در تجربه‌مان تعریف روشی از آنها وجود ندارد. این نوع استعاره نقش گسترده‌ای در شیوه عملکرد ما، شیوه مفهوم‌سازی ما از تجربیاتمان و شیوه‌ای که صحبت می‌کنیم دارد (Lakoff, & Johnson, 2003/ 115).

گرادی (Grady) نگاشت را اساسی‌ترین مفهوم در نظریه استعاره شناختی (CMT) می‌داند و در توضیح آن می‌گوید: این اصطلاح که از ریاضیات وام گرفته شده، به تطابق‌های نظاممند استعاری میان ایده‌های نزدیک به هم اشاره دارد. او سپس برای روش‌تر شدن موضوع، استعاره شناختی دولت کشته است را تبیین می‌کند:

در این استعاره از حوزه ملموس کشته به عنوان حوزه مبدأ برای تبیین مفهوم انتزاعی دولت

به عنوان حوزه مقصد استفاده شده و (ابتدا) مسیر کشته بر پیشرفت دولت در طول تاریخ سپس عناصر دیگری از حوزه مفهومی کشته بر عناصری از حوزه مفهومی دولت نگاشت / فرافکنی می‌شود. حداقل تطابق‌های متداول بین حوزه‌ای در استعاره گفته شده عبارتند از: هدایت کشته با تعیین سیاست‌ها / اقدامات؛ حرکت رو به جلوی کشته با موقیت‌ها و پیشرفت‌ها؛ حوادث ناگوار دریانوردی با شکست‌ها و مشکلات؛ شرایط دریا با شرایط سیاسی / اقتصادی تاثیرگذار بر دولت (۱۹۰). پریزی ساختمان استعاره شناختی به مایکل ردی (Michael J. Reddy) در مقاله‌ای با عنوان استعاره مجرأ (The conduit metaphor) باز می‌گردد که جورج لیکاف و مارک جانسون آن را در سال ۱۹۸۰ با انتشار اثر مشترک خود به نام استعاره‌هایی که با آنها زندگی می‌کنیم (Metaphors we live by) کامل کردند. از نظر لیکاف و جانسون اساس ماهیت نظام مفهومی معمول ما که در چهارچوب آن می‌اندیشیم و عمل می‌کنیم، استعاری است. مفاهیم ما شکل‌دهنده ساختار چیزی هستند که درک می‌کنیم و تعیین‌کننده حرکت ما در جهان و رابطه ما با دیگران می‌باشد (Lakoff, & Johnson/ 1980/ 3).

إوانز و گرین (Evans & Green) نیز معتقدند اندیشه انسان، استعاری است؛ از دیدگاه آنان، استعاره تنها موضوع زبانی نیست، بلکه بازتاب تناظرهای ژرف در شیوه سازمان‌دهی نظام مفهومی انسان است، به همین دلیل انتظار می‌رود شواهدی از استعاره، در نظام‌های مفهومی انسان یافت شود نه در زبان او؛ این دیدگاه دستاورد مطالعاتی است که ریشه و اساس استعاری طیف متنوعی از پدیده‌ها و سازه‌ها را بررسی کرده؛ به عنوان مثال: سازمان و عرف اجتماعی، اسطوره‌ها، رؤیاها، اشاره‌ها، اخلاق، سیاست و سیاست خارجی، تبلیغات و نظریه ریاضی (۳۰۳).

بر این اساس استعاره با شناخت و تفکر ما ارتباط دارد و همچون یک حس در درک تجربه به ما کمک می‌کند. نقش استعاره در تفکر، درک، استدلال و حتی ایجاد واقعیت اجتماعی، فرهنگی و روان‌شناختی ما کلیدی است (Kövecses/ xiii-xii). دنیا به عنوان یک مفهوم انتزاعی در برگیرنده مفاهیم، احساسات و انگیزه‌ها است که به‌طور عینی قابل لمس

نیستند. درک چنین دنیایی از طریق استعاره‌های شناختی ممکن است و از انطباق و فرافکنی حوزه‌های محسوس بر این حوزه انتزاعی میسر می‌گردد.

بر این اساس، پژوهش حاضر به بررسی و تحلیل مفهوم‌سازی‌های "دُنْيَا" در زبان نهج‌البلاغه که براساس حوزه مبدا "خانه" انجام‌شده می‌پردازد تا ببیند چه عناصر و ویژگی‌هایی از "خانه" بر "دُنْيَا" فرافکنی شده و در نتیجه چه درکی از "دُنْيَا" برای انسان حاصل می‌شود.

۳. خانه انگاری دُنْيَا در نهج‌البلاغه

برخلاف مکتب‌های مادی‌نگر که دُنْيَا را جایگاه اصلی استقرار انسان می‌دانند و از آخرت غافلند، در فرهنگ توحیدی، دُنْيَا یک خانه گذرا، پل، مزرعه، بازار، تجارت‌خانه، دریا، چراغ‌گاه،... و مقدمه‌ای برای جایگاه اصلی و ابدی انسان (سرای آخرت) است. امیرالمؤمنین امام علی (ع) نیز در خطبه‌ها، نامه‌ها و حکمت‌های متعددی از نهج‌البلاغه، حوزه انتزاعی «دُنْيَا» را در قالب مفهوم محسوس و تجربی «خانه» صورت‌بندی کرده‌اند. ایشان در این مفهوم‌سازی‌ها ویژگی‌ها و عناصری از حوزه مبدا را به خدمت گرفته است که جالب و قابل تامل است:

۳-۱. دُنْيَا به مثابه منزلگاه موقت و فناپذیر

الف) وَأَحَدَرُكُمُ الدِّينَيَا فَإِنَّهَا مَنْزِلٌ قُلْعَةٌ وَلَيْسَتْ بِدِارٍ نُجْعَةٌ؛ دَارٌ هَانَتْ عَلَى رَبِّهَا؛ فَمَا خَيْرٌ دَارٌ تَنْقُضُ نَقْضَ الْبَنَاءِ؟ (خطبه، ۱۱۲): شما را از دُنْيَا بر حذر می‌دارم؛ چرا که منزلگاهی است برای کوچیدن؛ نه سرایی برای سکنی‌گزیدن؛ خانه‌ایست که نزد پروردگارش بی‌مقدار است. پس، خانه‌ای که همچون ساختمان فرو می‌ریزد و از بین می‌رود چه خیری دارد؟ "قلعة" یعنی دگرگونی، کوچ کردن، عاریه؛ "منزل قلعة" یعنی محلی که انسان هر لحظه باید (آماده) برخاستن و کوچ کردن از آن باشد (ابن منظور / ۲ / ماده قلع).

ب) وَأَنَّكَ فِي مَنْزِلٍ قُلْعَةٍ وَدَارٍ بُلْغَةٍ وَطَرِيقٍ إِلَى الْآخِرَةِ (نامه ۳۱).

تو (ای پسرکم!) در منزلگاه موقتی هستی که هر لحظه باید آماده کوچیدن از آن باشی؛ سرایی که باید از آن به میزان کفايت معیشت برداری و در راهی به سوی آخرت می‌باشی.

پ) ... وَأَحَذِّرُكُمُ الدُّنْيَا فَإِنَّهَا دَارُ شُخُوصٍ (خطبه ۱۸۷).

شما را از دنیا بر حذر می‌دارم؛ زیرا سرایی است که باید از آن کوچید «شَخَصٌ مِنْ بَلَدٍ إِلَى بَلَدٍ شُخُوصًا: ذَهَبَ... وَنَحْنُ عَلَى سَفَرٍ قَدْ أَشْخَصَنَا، أَى حَانَ شُخُوصًا» (جوهری / ماده شخص). ت) فَازْمِعُوا عِبَادَ اللَّهِ الرَّحِيلَ عَنْ هَذِهِ الدَّارِ الْمَقْدُورِ عَلَى أَهْلِهَا الزَّوَالُ (خطبه ۵۲): بندگان خدا! از این خانه که نیستی بر اهل آن نوشته شده، عزم کوچیدن کنید.

ث) الدُّنْيَا دَارٌ مُنِيَ لَهَا الْفَنَاءُ وَلِأَهْلِهَا مِنْهَا الْجَلَاءُ فَارْتَحِلُوا مِنْهَا بِأَحْسَنِ مَا بِهِ حَضْرٌ تَكُمْ وَلَاتَسْأَلُوا فِيهَا فَوْقَ الْكِفَافِ (خطبه ۴۵):

دنیا سرایی است که فنا و نیستی برای آن و رخت بر بستن از آن (دل نباختن به آن) برای اهلش مقدر شده؛ پس از آن با بهترین توشه کوچ کنید و بیش از نیاز خود از آن نخواهید (نطلبید).

ج) وَلَيَنْزَوَدَ مِنْ دَارِ ظَعْنَهِ إِلَى دَارِ إِقَامَتِهِ (خطبه ۸۵):

(هر انسانی) باید از خانه کوچ کردنش (دنیا) برای سرای اقامتش (آخرت) توشه بردارد.

منزلگاه موقت نابودشدنی ← دنیا

انتظارهای میان منزلگاه موقت نابودشدنی با دنیا به شرح زیر است:

- | | |
|--|--|
| ۱. سکونت موقت | ← فضا و زمان ناپایدار |
| ۲. تعلق خاطر اندک و مقطوعی | ← تعلق خاطر سطحی |
| ۳. آمادگی در هر لحظه برای خروج | ← آمادگی همیشگی برای مرگ و انتقال به عالم دیگر |
| ۴. احساس بی ثباتی اوضاع، امکانات و فرصت‌ها | ← احساس بی قراری و آماده باش |
| ۵. نابودشدنی | ← از بین رفتی |

بدیهی است که انسان منزلگاه موقتی را که روزی نابود می‌شود، هرچند بزرگ و مجهر به انواع وسائل و امکانات باشد، خانه خود بهشمار نمی‌آورد؛ خود را در آن مستقر

نمی‌بیند؛ به آن دل نمی‌بندد؛ همواره بی‌قرار و آماده رفتن است و هنگام کوچ، بار و بنه و زاد و توشه‌ای که برای رسیدن به مقصد نیاز دارد با خود برمی‌دارد.

دُنْيَا هم به مثابه منزلگاه موقتی است که هر لحظه باید منتظر شنیدن بانگ "کوچیدن" بود. این سرا همیشگی نیست و مدت زندگی در آن محدود است. فرصت‌ها، زرق و برق‌ها و اوضاع و احوال سرای دُنْيَا نیز محدود و بی‌ثبات است، بنابراین، غفلت از هدف آفرینش و ادای وظایف، غفلت از مرگ، دلبستگی به سرای دُنْيَا و شیفته و فریفته زرق و برق فریبا و ناپایدار آن شدن، خطابی بس بزرگ و جبران‌ناپذیر است که به خسran انسان می‌انجامد. نکات مهم استعاره شناختی "دُنْيَا به مثابه منزلگاه موقت نابود شدنی":

- در نگاه توحیدی، عنایت خدا به سرای دُنْيَا نه به خاطر خود، بلکه به خاطر گذرگاه بودن آن به سوی خانه آخرت است (هاشمی خوئی، ۸/۴۳؛ موسوی، ۲/۲۸۱)؛ بنابراین در این سرا نباید به دنبال خور و خواب و غوطه‌ور شدن در لذت‌ها و زندگی حیوانی بود، بلکه باید از آن برای عمل و آبادکردن سرای آخرت استفاده کرد؛ مقصود از کانون استعاری "لَيَسَتْ بِدَارِ نُجَعَةً" در کلام امیرالمؤمنین (ع) نیز همین است (معنیه، ۲/۱۷۸).
- در نگاه توحیدی، انسان با مرگ نابود نمی‌شود بلکه از خانه‌ای به خانه دیگر منتقل می‌گردد؛ مرگ وجود دنیوی را از تن آدمی برミ‌کند و وجود اخروی را بر او می‌پوشاند؛ مقصود از "الرَّحِيلَ" در کلام امام علی(ع) (بند ت)، همین است. این انتقال از خانه دُنْيَا به خانه آخرت به امر الهی و مقدر همه انسان‌ها است: «كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ» (العنکبوت، ۵۷)؛ همان‌طور که میدا اوست، مقصود هم اوست: «إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ» (البقرة، ۱۵۶). پس حال که مرگ سرنوشت مقدر همه انسان‌هاست و از آنجا که خانه دُنْيَا آلدگی‌ها و آفات بسیار دارد، انسان موحد باید پیش از فرارسیدن مرگش بمیرد؛ یعنی باید "عزم" خود را برای پرهیز از آلدگی به آفات این خانه با عمل پیوسته برای خانه آخرت نشان دهد. به همین دلیل امیر المؤمنین از فعل امر "أَزْمِعُوا" (بند ت) استفاده کرده‌اند تا نشان دهند تفاوت میان "مرگ محتموم" با "مرگ ارادی" از زمین تا آسمان است (ابن میثم، مصباح السالکین، ۱۶۰).

- انسان در جا به جایی از خانه دنیا به خانه آخرت باید با خود توشه همراه ببرد «وَلَيَتَرَوْدَ مِنْ دَارِ ظُعْنَهِ إِلَى دَارِ إِقَامَتِهِ». این توشه باید بهترین چیزی که در توان و اختیار اوست باشد «فَارْتَحِلُوا مِنْهَا بِأَحْسَنِ مَا يَحْضُرَتِكُمْ». امام علی(ع) انسان را به تلاش برای انجام بهترین کارهایی که در توان دارد تشویق می‌کند. از سوی دیگر می‌توان گفت نظر به اینکه نهج البالغه "برادر قرآن" کریم است، مقصود از بهترین توشهای که انسان می‌تواند از خانه دنیا با خود به سرای آخرت ببرد تقوای است: «وَتَزَوَّدُوا فَإِنَّ خَيْرَ الزَّادِ التَّقْوَى» (البقرة، ۱۹۷).
- "زاد" یعنی: اندوختهای افرون بر آنچه انسان اکنون به آن نیازدارد (نقی قائی، ۴۷۷/۶)؛ پس عمل برای سرای آخرت باید بیش از عمل در سرای دنیا برای رفع نیازهای انسان باشد.
- "جلاء" (بند ث) برای خروج از خانه و وطن انسان به کار می‌رود که بازگشت به آن و سکونت دوباره در آن دشوار است. از آنجاکه غالب انسان‌ها نه تنها به موقعت‌بودن و زوال‌پذیری دنیا توجه نمی‌کنند، بلکه آن را خانه ابدی خود می‌پنداشند، به آن دل‌بسته و در لذت‌های آن غوطه‌ور می‌شوند و پیوند عمیقی میان خود و این خانه احساس می‌کنند، در نتیجه خروج از آن برایشان بسی سخت و ناممکن است، امام علی(ع) با دقت و ظرافت ستودنی، از واژه "جلاء" برای خروج اهل دنیا از آن استفاده کرده‌اند؛ با این تفاوت که بازگشت به دنیا ناممکن است. پس، این واژه برای مؤمنان پرهیزکار به کار نمی‌رود (همان، ۴۷۲-۴۷۱).

• "کفاف" به مقدار کفايت روزی (خوراک، پوشак و ضروریات زندگی) اطلاق می‌شود که انسان را از دیگران بینیاز می‌سازد. امیرالمؤمنین (ع) با به کاربردن این واژه «وَلَاتَسَأَلُوا فِيهَا فَوْقَ الْكِفَافِ» انسان‌ها را از اهتمام بیش از اندازه به جسم که مرکب روح است، نهی می‌فرماید؛ زیرا آنچه شایسته توجه همیشگی و عمیق انسان در خانه دنیا است، رشد معنوی اوست که با تقوای و عمل صالح به دست می‌آید؛ اما اگر بدن بیش از نیازش پرورد شود، سنگین می‌گردد و انسان را از انجام اعمال صالح و رسیدن به تعالی مورد نظر

بازمی‌دارد (ابن میثم، شرح نهج‌البلاغه، ۲-۱۲۰/۱۲۱ و شوشتاری، ۱۱-۳۹۰/۳۹۰).

۳-۲. دنیا به مثابه خانه‌ای با بلا پیچیده شده

از آنجا که نام نگاشتها معمولاً طولانی نیستند، از ذکر همه ویژگی‌هایی که از کانون‌های استعاری زیر به دست می‌آید، در نام‌نگاشت گفته شده خودداری شد. این ویژگی‌ها عبارتند از: بی‌وفایی، مشقت، دگرگونی احوال، سرای عبرت گرفتن و نیستی و باید از این خانه کوچ کرد:

ج) دَارُ الْبَلَاءِ مَحْفُوفَةٌ وَبِالْغَدَرِ مَعْرُوفَةٌ، لَاتَّدُومُ أَحْوَالُهَا وَلَا يَسْلُمُ نُزَّالُهَا؛ أَحْوَالٌ مُخْتَلَفةٌ وَتَارَاتٌ مُتَصَرِّفَةٌ (خطبه ۲۱۷):

دنیا با بلا پیچیده شده و به بی‌وفایی مشهور است؛ حالاتش دوام ندارد و ساکنانش (از آفت‌ها) سالم (و در امان) نیستند؛ حالات آن گوناگون و زمان‌هایش (اوپذاعش) دگرگون شونده‌اند.
ح) إِنَّ الدُّنْيَا دَارُ فَنَاءٍ وَعَنَاءٍ وَغَيْرٍ وَعِبَرٍ (خطبه ۱۱۳): دنیا سرای نیستی، مشقت، دگرگونی احوال و عبرت‌ها است.

خ) عَجِبَتْ لِعَامِرِ دَارِ الْفَنَاءِ وَتَارِكِ دَارِ الْبَقَاءِ (حکمت ۱۲۱):

از کسی که خانه نیستی را آباد و خانه بقاء را رها می‌کند در شگفتمن.

خانه‌ای با ویژگی‌هایی مثل با بلا پیچیده شده دنیا

- | | | |
|----------------------------|---|-------------------------------|
| نایابداری و عدم امنیت | ◀ | ۱. ساختاری شکننده و آسیب‌پذیر |
| سرشار از رنج و مشقت | ◀ | ۲. سرشار از رنج و مشقت |
| مالامال از بی‌وفایی و فریب | ◀ | ۳. آکنده از خیانت و نیرنگ |
| عدم ثبات و تغییرات پیوسته | ◀ | ۴. دگرگونی‌های مداوم |
| سرای درس‌ها و تجربه‌ها | ◀ | ۵. مکان عبرت گرفتن |
| فانی بودن | ◀ | ۶. نمادی از نیستی |

"محفوّفة" به معنای پیچیده شده، کنایه است از احاطه و فراغیری همه جانبه. خانه‌ای که با انواع گرفتاری و بلاها احاطه شده، برخلاف یک خانه امن و پایدار، ساختاری شکننده و آسیب‌پذیر دارد و هر لحظه ممکن است تخریب شود. اما همین خانه می‌تواند با ظاهری فریبینده احساس امنیت کاذب در بیننده ایجاد کند. سکونت در چنین خانه‌ای رنج و مشقت فراوان به دنبال خواهد داشت و آرامش و آسودگی را از ساکنان خواهد ریود. علاوه بر شکنندگی ساختار، خیانت ساکنان این خانه به یکدیگر نیز باعث رنج و درد می‌شود؛ زیرا اعتماد میان ایشان را می‌شکند و امنیت روانی‌شان را از بین می‌برد. وضعیت این خانه همواره در حال تغییر است. ممکن است لحظه‌ای آرام به نظر برسد، اما ناگهان با بلا و مصیبت یا اختلاف و جنگ میان اعضاء مواجه گردد. چنین خانه‌ای مکانی برای عبرت گرفتن و آموختن از تجربیات است. هر بلا و مشقتی درسی برای ساکنان دارد؛ در نهایت، این خانه موقت نابود می‌شود.

سرای دنیا نیز در لابه‌لای گرفتاری پیچیده شده و انواع فراوان بلاها و گرفتاری‌ها آن را از هر جهت در برگرفته: بیماری‌های جسمی و روحی، اتفاقات ناگوار فردی و اجتماعی، حوادث و بلایای طبیعی، جنگ‌ها، غارت‌ها، حوادثی که مرگ افراد یا مجروح شدن ایشان را به همراه دارد؛ از دست دادن عزیزان، ورشکستگی و...؛ خانه دنیا به بی‌وفایی و دغل شهره است؛ به انسان روی می‌آورد، وقتی به آن خوگرفت و پنداشت همواره با او سازگار و بر وفق مرادش است، تغییر حال داده، به وی پشت می‌کند؛ انسان سالم و سرحال با پیش‌آمدی ناگهان سلامتی خود را از دست می‌دهد؛ در اثر حادثه‌ای دارایی و ثروت فراوانش از بین می‌رود؛ ناگهان ورشکسته و به نان شب محتاج می‌شود و یک شبه از اریکه قدرت به زیر می‌افتد و خوشی‌هایش به ناخوشی مبدل می‌گردد؛ در نتیجه بلاها و حوادث گوناگون، احوال سرای دنیا یکدست نیست و ساکنش در امان نیستند: "از نسیمی دفتر ایام برهم می‌خورد" و با یک چرخش چرخ نیلوفری، نه آن انسان قدرتمند و ثروتش باقی‌می‌ماند و نه دبدبه و کبکه‌اش. حالات این سرای ناپایدار و زمان‌هایش دگرگون است و

سرانجام روزی نابود می‌شود (ابن میثم، ۱۴۰۴، ۹۱/۴؛ هاشمی خویی، ۱۴۲۳-۱۴۲۵؛ مکارم شیرازی، ۴۳۸/۸-۴۳۷).

۳-۳. دنیا به مثابه خانه‌ای با آغاز رنج و پایان نیستی

د) مَا أَصِفُّ مِنْ دَارٍ أَوْلَاهَا عَنَاءٌ وَآخِرُهَا فَنَاءٌ ... (خطبه ۸۱):

چه توصیفی ارائه دهم از سرایی که آغاز آن رنج و ناخوشی و پایانش نیستی است؟

مبدأ: خانه‌ای که آغاز آن رنج و پایان آن نیستی است

مقصد: دنیا ساخت / خرید خانه

زندگی در دنیا ناپایداری

بی‌شباتی فرآیند تدریجی تغییرات

فرآیند تدریجی از آغاز تا پایان نابودی

فناپذیری

ساخت خانه مراحلی دارد: انتخاب زمین مناسب برای ساخت، دریافت مجوز از مراجع مربوط، خرید مصالح و تجهیزات، نقشه‌کشی، گودبرداری، بتنون‌ریزی، قالب‌بندی، اسکلت‌زدن، دیوارچینی و... که هر مرحله با صرف وقت، رنج و سختی همراه است؛ خرید خانه نیز راحت نیست و سختی و رنج به همراه دارد: خریدار باید به بنگاه‌های املاک مختلفی مراجعه کند؛ شرایط مالی و نیاز خود را توضیح دهد؛ با صرف وقت و هزینه، به خانه‌های پیشنهادی برود و آنها را یکی یکی با دقت بررسی نماید؛ با فروشنده مبایعه نامه تنظیم کند؛ پس از تحویل‌گرفتن خانه به منظور تنظیم سند رسمی، همراه با فروشنده در دفترخانه اسناد رسمی حضور یابد و پس از پایان این مراحل، برای تهیه تجهیزات منزل نو و یا تعمیر و تغییر آن اقدام نماید. شرایط فیزیکی خانه‌ای که انسان با تحمل سختی‌ها و رنج‌ها می‌سازد / می‌خرد، پایدار نیست و با گذشت زمان فرسوده می‌شود. تعمیر و بازسازی خانه فرسوده نیز خود رنج دیگری است. علاوه بر رنج‌ها و سختی‌های گفته شده، زندگی در خانه چالش‌های متعددی دارد که هر یک منشأ رنج و درد انسان است. در پایان هم خانه تخریب می‌شود و از بین

می‌رود و با این نابودی، زندگی انسان در آن پایان می‌یابد.

خانه دنیا نیز پر از رنج و سختی است. این رنج شامل بی‌عدالتی‌ها، فقر، بیماری، ستیزه، جنگ، مرگ عزیزان، ناامیدی و چالش‌های گوناگون است که با زندگی فردی و جمعی انسان عجین شده. این خانه در حال تغییرات دائمی است و هیچ چیز در آن ثابت و پایدار نیست. گذر زمان، پیوسته باعث تغییرات در ساختارهای مادی و اجتماعی این خانه می‌شود و سرانجام نابود می‌گردد. زندگی انسان در این خانه نیز سراسر آمیخته با سختی و دردسر است؛ سرآغاز آن (تولد) هم برای مادر و هم طفل درد و رنج عظیمی دارد؛ مادر درد و رنج فراوان زایمان را تجربه می‌کند؛ طفل نیز از یک محیط بسته که به آن خوگرفته بود، به فضایی باز، ناآشنا و بسیار متفاوت پامی‌گذارد. در دوران شیرخوارگی چنان ضعیف و ناتوان است که حتی نمی‌تواند آب دهانش را نگهدارد؛ هوا او را اذیت می‌کند؛ گرما آزارش می‌دهد؛ سرما بیمارش می‌کند و اگر با دقت از او پرستاری نشود، هر لحظه خطری تهدیدش می‌کند. این دوران را با تمام سختی‌هایش پشت سرمی‌گذارد و با رنج و سختی از شیر مادر که شیره جان او شده‌بود، جدا می‌گردد؛ در حالی‌که هیچ تجربه‌ای از زندگی ندارد و خطرات بزرگی او را تهدید می‌کند، کم کم به راه می‌افتد و مراحل عمر را یکی پس از دیگری پشت‌سر می‌گذارد، در حالی‌که هر مرحله‌ای سختی‌های ویژه خود را دارد. وقتی به بلوغ کافی برای تشکیل زندگی مشترک رسید، با مشقت‌های جدیدی رویه‌رو می‌شود؛ پیداکردن همسر مناسب، ساختن آینده، تلاش برای کسب روزی حلال، تامین نیازهای همسر و فرزندان و... در این مسیر با محرومیت‌ها، ستم‌ها و آفت‌های متعددی مواجه می‌شود که او را غمگین و نالان، خسته و حتی ناامید می‌کند، با این وجود باید به زندگی ادامه دهد. دوران کهن‌سالی هم که دوران ازکفرفتن توان و نیرو و روی‌آوردن ضعف و بیماری‌هاست. پایان این خانه نیز مرگ و رفتن است: «**كُلُّ مَنْ عَلَيْهَا فَانٌ وَيَقِيٌّ وَجْهٌ رَبِّكَ ذُوالجلالِ وَالإِكْرَامِ**» (الرحمن، ۲۶).

۴-۴. دُنیا به مثابه خانه امتحان

ذ) فَأَحَصَّا كُمْ عَدَدًا وَظَفَ لَكُمْ مُدَدًا فِي قَرَارِ خِبَرَةٍ وَدَارِ عِبَرَةٍ أَنْتُمْ مُخْبَرُونَ فِيهَا وَمُحَاسَبُونَ عَلَيْهَا (خطبه ۸۲): خدا در جایگاه آزمایش و عبرت (دنیا) که در آن آزموده می‌شوید و مورد محاسبه قرار می‌گیرید، یکایک شما را برشمرد و برایتان مدت زمانی مقدر ساخت.

خانه امتحان ← دُنیا

۱. محدودیت‌های مکانی ← محدودیت‌های مکانی، زمانی، فردی، اجتماعی
۲. درها ← فرصت‌ها و انتخاب‌ها
۳. اتاق‌ها ← ابعاد گوناگون زندگی
۴. وسائل و امکانات ← نعمت‌های مادی و معنوی الهی
۵. روابط اعضاء ← روابط مختلف اجتماعی
۶. مکان دریافت پاداش و مجازات اعضاء از یکدیگر ← مکان پاداش و مجازات الهی سطح، سقف، دیوارها، درها، پنجره‌ها و اتاق‌ها اجزای تشکیل دهنده خانه هستند.

دیوارها محدودیت‌های مکانی و فیزیکی را نشان می‌دهند؛ ما نمی‌توانیم به راحتی وارد خانه و از آن خارج شویم. در دُنیا به مثابه خانه امتحان نیز محدودیت‌های مکانی، زمانی، فردی و اجتماعی بهسان دیوارهایی هستند که انسان را در چهارچوب مشخصی قرار می‌دهند و زمینه امتحان او را فراهم می‌کنند. درها راههای ورود و خروج خانه و انتخاب‌های محدود درون آن را نشان می‌دهند؛ هر دری به یک مکان خاص باز می‌شود. فرصت‌ها و انتخاب‌های گوناگون زندگی مانند: رشتہ تحصیلی، شغل، همسر، دوست و اعمال نیک و بد در زندگی در سرای دُنیا هم به مثابه درها هستند. هر انتخابی، انسان را به یک مسیر خاص و رسیدن به نتایج متفاوت در زندگی هدایت می‌کند و فرصت مناسبی برای آزمایش او بهشمار می‌رود؛ عملکرد انسان در این امتحانات بر زندگی اخرویش تاثیر می‌گذارد. اتاق‌های مختلف خانه با کاربری‌های متفاوت (نشیمن، پذیرایی، اتاق خواب، آشپزخانه) نشان‌دهنده جنبه‌های مختلف زندگی در خانه است. ابعاد مختلف زندگی (خانواده، کار، اجتماع، عبادت) مانند اتاق‌های مختلف هستند. هر بعد، با چالش‌ها،

فرصت‌ها و قوانین مخصوص به خود زمینه امتحان در یک زمینه مشخص است. مبهمان، وسایل و لوازم خانه امکاناتی هستند که در زندگی مورد استفاده قرار می‌گیرند؛ چگونگی استفاده و مراقبت از آنها محکی برای بروز شخصیت اعضاخانه است. نعمت‌های مادی و معنوی الهی به مثابه ابزار و امکاناتی هستند که به انسان اعطاء شده تا در زندگی در خانه دنیا مورد استفاده قرار دهد. استفاده صحیح یا غلط از این نعمت‌ها، فرصت دیگری برای آزمودن وی است و بر نتایج تأثیر می‌گذارد. هر خانه ساکنانی دارد که با یکدیگر در ارتباط‌اند؛ این ارتباطات ابزاری برای سنجش افراد است تا روشن شود هر یک از ایشان در شرایط مختلف چگونه با دیگران برخورد می‌کند. در سرای دنیا نیز روابط مختلف اجتماعی (با اعضای خانواده، همسایگان، دوستان، همکاران، دشمنان و دیگران) میان ساکنان برقرار است. وجود این روابط خود زمینه‌ای برای آزمایش هر فرد است؛ شیوه برخورد و مدیریت آنها، بر نتیجه آزمون افراد در زندگی دنیوی و اخروی مؤثر است. خانه، مکانی برای دریافت پاداش یا مجازات است؛ اعضای یک خانه در زندگی خانوادگی به خاطر اعمال خوب یا بد خود هم از یکدیگر و هم از پروردگار پاداش یا مجازات دریافت می‌کنند. سرای دنیا نیز سرشار از پاداش‌ها و مجازات‌های انسانی و الهی است.

در دیدگاه توحیدی، خانه دنیا قرارگاه آزمایش انسان از طریق نعمت و نقمت است تا ایمان او از کفرش، فرمانبرداری و نافرمانی‌اش از پروردگار، اخلاصش از ریا و نفاق و تواضعش از تکبرش آشکارگردد. آزمایش، سنت قطعی الهی است: «الَّذِي خَلَقَ الْمَوْتَ وَالْحَيَاةَ لِيَبْلُوَكُمْ أَيْكُمْ أَحْسَنُ عَمَلاً» (الملک، ۲) و «أَحَسِبَ النَّاسُ أَنْ يُتَرَكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ - وَلَقَدْ فَتَنَّا الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَلَيَعْلَمَنَّ اللَّهُ الَّذِينَ صَدَقُوا وَلَيَعْلَمَنَّ الْكَاذِبِينَ» (العنکبوت، ۳-۲) و «... وَجَعَلْنَا بَعْضَكُمْ لِيَعْضُ فِتْنَةً أَتَصْبِرُونَ ...» (الفرقان، ۲۰).

۳-۵. دنیا به مثابه خانه‌ای دست به دست شونده

ر) وَأَنَّ الدُّنْيَا دَارُ دُولٍ (نامه ۷۲).

مقصد: دُنیا	مبداً: خانه‌ای دست به دست شونده
زرق و برق‌ها، امکانات و موقعیت‌های موقت	مالکیت موقت
تغییر و تحول پیوسته امور	تغییر و تحول فضا و درون با تغییر مالک
تغییر و تحول روابط اجتماعی با تغییر اوضاع و موقعیت‌ها	تغییر و تحول روابط افراد مرتبط با تغییر مالک
بی‌ثباتی اوضاع و شرایط	نایابداری وضعیت خانه
ارزش متغیر مادیات و غیر آن	ارزش مادی متغیر

هیچ‌کس مالک همیشگی یک خانه نیست. هر مالک فقط برای مدتی از آن استفاده می‌کند و سپس با مرگ او این مالکیت به دیگری منتقل می‌شود. زرق و برق‌های دُنیا (منصب، شهرت، قدرت، دارایی و...) نیز دائمی نیستند؛ مدتی در اختیار افرادی قرار می‌گیرند و سپس به دیگران می‌رسند. با تغییر هر مالک، تغییراتی در خانه ایجاد می‌شود؛ دکوراسیون، تعمیرات و حتی استفاده از فضاهای تغییر می‌کنند. این امر نشان دهنده پویایی و دگرگونی پیوسته‌ای است که در خانه اتفاق می‌افتد. دُنیا نیز پیوسته در حال تغییر و تحول است؛ افکار، فرهنگ‌ها، تکنولوژی‌ها، سیستم‌ها و حتی محیط زیست به طور مداوم تغییر می‌کنند. با تغییر هر مالک، روابط اجتماعی مرتبط با خانه نیز تغییر می‌کنند؛ بستگان، دوستان و آشنایان مرتبط با هر مالک، متفاوت خواهند بود. در دُنیا نیز روابط انسانی پویا و متغیر هستند؛ دوستان، همکاران و مسئولان با تغییر اوضاع و موقعیت‌ها تغییر می‌کنند. شرایط فیزیکی خانه به طور مداوم در معرض تغییر و تحول است و هیچ تضمینی برای ثبات و پایداری آن وجود ندارد؛ علاوه بر این، خود خانه هم سرنوشت مشخص و ثابتی ندارد؛ ممکن است در آینده فروخته یا تخریب شود، یا تغییر کاربری دهد. در دُنیا هم هیچ چیز پایدار نیست؛ ثروت، قدرت، شهرت، سلامتی، جوانی، زیبایی و حتی روابط انسانی تغییر می‌کنند و از دست می‌روند. خانه دُنیا روزی به دست این است و روزی به دست آن؛ روزی به سود این است و روز دیگر به سود آن؛ روزی دونماهه زیردست پادشاه می‌شود و روزی دیگر پادشاه از عرش پادشاهی بهزیر می‌آید.

ارزش خانه بسته به مساحت، امکانات، موقعیت جغرافیایی، سنددار بودن و شرایط روز بازار تغییر می‌کند. ارزش‌های دنیا نیز نسبی و متغیر هستند؛ آنچه در یک زمان ارزشمند است، ممکن است در زمان دیگر بی‌ارزش باشد.

۳-۶. دنیا به مثابه خانه گرفتن و هلاکت

ز) دَارُ حَرَبٍ، وَسْلَبٍ، وَتَهَبٍ، وَعَطَبٍ (خطبه ۲۳۳).
 حَرَبَةٌ يَحْرُبُهُ حَرَبًا، مثل طَلَبَهُ يَطْلُبُهُ طَلَبًا، مال او را گرفت و بی هیچ چیز رهايش کرد، وقد حَرَبَ مَالَهُ، أَيْ: سلبه، فهو محروم و حریب يعني گاهی حَرَبٍ وَسْلَبٍ متراوف هستند (جوهری / ماده حرب)؛ در خطبه ۲۳۳ نهج البلاغه نیز آمده: (أَمْوَالُهَا مَحْرُوبَةٌ وَأَعْلَاقُهَا مَسْلُوبَةٌ).
 «النهب: الغارة» (ابن منظور / ۴ / ماده نهب). العَطَبُ: الهلاك، در مورد مردم و غیر از ایشان به کار می‌رود (همان / ۳ / ماده عطاب).

براساس معنی واژگان، و کلام امام علی(ع) "گرفتن" شامل بهزور گرفتن و غارت کردن است، اما به دلیل رعایت اختصار، نام نگاشت کوتاه بیان شد.

مقصد: دنیا

مبداً: خانه گرفتن و هلاکت

فرسایش طبیعی تدریجی در گذر زمان

فرسایش طبیعی در نتیجه عوامل طبیعی

استهلاک تجهیزات و لوازم

مورد سرقت و خرابکاری عمدی قرار گرفتن

مورد سرقت و خرابکاری عمدی قرار گرفتن

غارت دارایی در اثر بلایای طبیعی (زلزله، سونامی،

غارت دارایی به علت هزینه‌های تعمیر و نگهداری

طوفان، خشکسالی)

غارت روانی ساکنان

غارت دارایی‌های غیر مادی انسان (سلامتی،

جوانی، نشاط، توانایی، هستی و ...)

تابودی تدریجی یا یکباره در نتیجه عوامل طبیعی،

تابه‌ی در اثر عوامل طبیعی و غیر طبیعی

تخریب عمدی و غارت

خانه در گذر زمان، به تدریج و به طور طبیعی در اثر آب و هوا و تغییرات آن، باد، باران، برف، تغییرات دما، رطوبت، استهلاک مصالح و تجهیزات و عدم مراقبت و نگهداری مناسب

ساکنان، فرسوده می‌شود. این امر دارایی‌های مادی ساکنان را از بین می‌برد یا ارزش آن‌ها را کاهش می‌دهد. به عنوان مثال، نشت لوله‌ها باعث رطوبت دیوارها و ریزش آنها می‌شود؛ این ریزش، نابودی و یا آسیب‌دیدگی لوازم منزل را به دنبال دارد که از مصادق‌های "گرفتن" (دارایی‌های انسان) است. دُنیا نیز با گذشت زمان، با تغییرات آب و هوا، تغییرات اقلیمی و زیستی، آلودگی، حوادث طبیعی و مانند آن تخرب می‌گردد. منابع طبیعی آن هم فرسوده می‌شود و از بین می‌رود. این امر بر زندگی و معیشت انسان‌ها تأثیر منفی می‌گذارد.

تخرب عمدی خانه که به دلایل مختلف از جمله درگیری‌های شخصی اتفاق می‌افتد، به همراه دزدی اموال آن، نمونه‌ای از "گرفتن با زور" دارایی‌های انسان است. در دُنیا هم جنگ‌ها و درگیری‌های مسلحه، سرقت منابع عمومی، تبعیض، نژادپرستی و جنسیت‌گرایی، جان و مال انسان‌ها را "به زور می‌گیرند".

در خصوص چگونگی غارت انسان توسط خانه و دُنیا می‌توان گفت: فرسودگی خانه، نیاز آن به تعمیر و نگهداری مداوم را پدید می‌آورد. این هزینه‌های نگهداری، به نوعی، دارایی‌های مالی انسان را به خود اختصاص می‌دهد. حوادث طبیعی غیر قابل پیش‌بینی نیز یکباره و ناگهانی خانه و دارایی‌های انسان را نابود می‌کنند. همچنین برداخت وام مسکن، مالیات املاک و هزینه‌های آب، برق، گاز و تلفن خانه، از جمله مواردی هستند که به صورت تدریجی و مستمر مال و دارایی انسان را "غارت" می‌کنند. نامناسب، تنگ یا نامن بودن خانه که می‌تواند بر سلامت روانی ساکنان تأثیر منفی گذارد، نمونه دیگری از غارت انسان به دست خانه است.

غارت سلامتی، جوانی، توان، هستی، ایده و آثار انسان و ..., غارت‌های طبیعی غیر مادی است که زندگی در دُنیا به وجود می‌آورد. سوء مدیریت و فساد در حکومت‌ها و سازمان‌ها، سیستم‌های اقتصادی نابرابر و استثمارگر که باعث تجمع ثروت در دستان اقلیت و فقر، بیکاری، تورم و محرومیت اکثریت می‌گردند، همچنین مصادره دارایی‌های شهروندان و نقض حقوق ایشان توسط دولت‌های مستبد، از مصادیق دیگر "غارت" انسان‌ها

به صورت سیستماتیک در دنیا است.

خانه به طور تدریجی یا یکباره از بین می‌رود؛ دنیا نیز در نتیجه عوامل مختلفی مانند عوامل طبیعی، جنگ، غارت، و مانند آن در حال نابودشدن است. از بین رفتن ارزش‌های اخلاقی و معنوی، گونه دیگری از این تباہی است.

دست دنیا در "گرفتن" سریع‌تر از "دادن" است؛ با این دست نداده، با آن دست بازمی‌ستاند؛ از امروزش اینمی‌ای نیست و فردایش مایه ترس است (شوشتري، ۲۴/۲).

نتایج مقاله

۱. اهمیت استعاره شناختی، با نقش کلیدی و کارآیی بی‌نظیری که در انتقال مقصود گوینده در متون اسلامی مقدس و درک مخاطب از این متون دارد، پژوهشگران را به بررسی جامع تمام ابعاد استعاری مفاهیم انتزاعی ترغیب می‌کند. درک عمیق زبان استعاری این متون، تنها راه رسیدن به تحلیلی است که به هدف گوینده نزدیک باشد. یکی از مفاهیم انتزاعی که در نهج‌البلاغه و متون اسلامی مقدس مورد توجه قرار گرفته و از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، "دنیا" است؛ زیرا شناخت و درک جامعی از آن برای انسان‌ها حیاتی است و در بقاء و پیشرفت فردی و اجتماعی ایشان نقش بسزایی دارد.

۲. در بررسی مفهوم "دنیا" در زبان نهج‌البلاغه، ویژگی‌های خاصی از "خانه" به عنوان حوزه مبدأ به طور مؤثر بر حوزه مقصد (دنیا) نگاشت می‌شود که درک و عینیت‌بخشی به این مفهوم انتزاعی را تسهیل می‌کند. در این نگاشت، ویژگی‌هایی مانند بیچیده شدن با بلا، شهره‌بودن به خیانت، مشقت، دگرگونی احوال و ... انباطاق یافته که در تجربیات ما کمتر مورد توجه قرار می‌گیرد. تناظرهای نظاممند میان مفهوم "دنیا" و مفهوم "خانه" نشان می‌دهد که دو ویژگی: "موقع بودن" و "فنای‌پذیری" نسبت به بقیه ویژگی‌ها مورد توجه بیشتری قرار گرفته است. تحلیل نگاشتهای استعاره شناختی "خانه" در نهج‌البلاغه بیانگر آن است که این استعاره در انتقال آموزه‌ها، هدایت مخاطب و ارائه دلیلی قاطع برای همگان

بهویژه در آموزه‌های تربیتی و هدایتی، نقش مؤثری دارد.

۳. از نتایج کاربردی پژوهش حاضر آن است که با شناسایی تناظرهای نظاممند میان مفهوم مجرد و پیچیده "دُنیا" و مفهوم عینی و روشن "خانه" حقایق ملموس متعددی از دُنیا و زندگی دُنیوی کشف می‌شود و راه برای ورود هر چه بیشتر به لایه‌های منسجم معنایی نهج‌البلاغه هموار می‌گردد. تداعی مفهوم انتزاعی "دُنیا" در ساختار "خانه"‌ای ناپایدار، فناپذیر، غارتگر و دست به دست شونده که با بلا پیچیده شده و به خیانت و دگرگونی احوال شهره است، به انسان یادآوری می‌کند که دُنیای مادی برخلاف تصور رایج، محیطی ناپایدار و فناپذیر است. هیچ چیز در آن همیشگی نیست و آنچه امروز هست، ممکن است فردا نباشد. این آگاهی می‌تواند به: قدرشناسی بیشتر از لحظه‌ها و فرصت‌ها و استفاده بهینه از آنها، کاهش وابستگی و دلبستگی به مادیات و امور دُنیوی و تمرکز بر ارزش‌های معنوی و پایدار، آمادگی برای رویارویی با تغییرات و دگرگونی‌های ناگهانی در زندگی، تقویت روحیه مقاومت و پایداری در برابر شکست و نالمیدی، همچنین افزایش انعطاف‌پذیری، هوشیاری و احتیاط در روابط و تصمیم‌گیری‌ها بینجامد. ساختاربندی "دُنیا" به مثابه "خانه امتحان" نشان می‌دهد که زندگی در دُنیا فرصتی برای آزمایش و امتحان انسان است تا با انتخاب‌های خود سرنوشت اخروی‌اش را رقم بزند. این نتیجه بر اهمیت انجام اعمال صالح و پرهیز از گناه تاکید می‌کند.

۴. تحلیل خانه‌انگاری دُنیا در گفتمان نهج‌البلاغه به‌طور کلی نشان می‌دهد امیرالمؤمنین(ع) بر اهمیت زندگی پس از مرگ و ضرورت آمادگی برای آن تاکید دارند و با تصویرسازی دُنیا به مثابه خانه‌ای زودگذر، نابود شدنی و دیگر ویژگی‌های قابل تأمل ارائه شده، تلاش‌کرده‌اند انسان را به تغییر در سبک زندگی، کسب معارف، نیکوکاری و توشه‌اندوزی برای زندگی ابدی سوق دهند. در مجموع، استعاره شناختی دُنیا به مثابه خانه نشان می‌دهد ویژگی‌هایی از حوزه مبدأ که در درجه نخست تجربیات ما قرار دارد (مانند: حریم خصوصی، محل استقرار، آرامش، دارای امنیت، کانون گرم خانواده و مانند آن) به

خدمت گرفته نشده، بلکه امیر المؤمنین(ع) دنیا را با ویژگی‌های دیگری مفهوم‌سازی کرده‌اند که کمتر به آنها توجه و فکر می‌کنیم. همین تفاوت دیدگاه، در پندار، گفتار، رفتار و سبک زندگی ما تاثیر زیربنایی دارد و سعادت و شقاوت ما در زندگی اخروی‌مان در گرو همین تفاوت تفکر است.

۵. دسته‌بندی منسجم و دقیق کانون‌های استعاری دنیای خانه‌انگاری شده در زبان نهج البلاغه به دلیل تعدد عناصر سازه‌ای نگاشتشده از "خانه" بر "دنیا" کار دشواری بود. کشف تناظرها میان "خانه" به‌зор گیرنده و غارت‌گر با "دنیا" نیز با سختی همراه و زمان بر بود.

کتابشناسی

۱. قرآن کریم.
۲. ابن منظور، ابوالفضل جمال‌الدین محمد بن مکرم. لسان‌العرب، بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، ۲۰۰۵.
۳. ابن میثم بحرانی، کمال‌الدین میثم بن علی. اختیار مصباح السالکین، تحقیق امینی، محمد‌هادی، مشهد: آستان قدس رضوی - بنیاد پژوهش‌های اسلامی، ۱۳۶۶.
۴. ابن میثم بحرانی، کمال‌الدین میثم بن علی. شرح نهج‌البلاغة، بی‌جا: دفتر نشر الكتاب، ۱۴۰۴ق.
۵. توکل‌نیا، مریم، امیر حسینی، یحیی. شناسایی و تحلیل استعاره‌های ساختاری در تبیین مفهوم امامت و جایگاه اهل‌بیت(ع) در نهج‌البلاغه، مطالعات قرآن و حدیث، ۱۴۰۲، ۱۰۹-۸۷، ۳۳.
۶. جلیلی، زهرا. واکاوی استعاره‌های مفهومی نهج‌البلاغه در حوزه هواي نفس، دراسات حدیثه في نهج‌البلاغه، ۱۱، ۱۴۰۱، ۱۰۶-۹۵.
۷. جوهری، ابونصر اسماعیل. الصحاح، محمد تامر، محمد، شامی، انس محمد و جابر احمد، ذکریا (بازنگری و ویرایش)، قاهره: دارالحدیث، ۲۰۰۹.
۸. زارع، آفرین. تحلیل معنی شناختی دنیای مکانی شده در زبان نهج‌البلاغه بر اساس نظریه معاصر استعاره با تمرکز بر بنیان استعاره‌ها، پژوهش دینی، ۱۴۰۳، ۱۸۰-۱۴۷، ۴۹.
۹. سید رضی، ابوالحسن محمد بن حسین بن موسی. نهج‌البلاغه، شرح: علی نقی فیض‌الاسلام، تهران: انتشارات فیض‌الاسلام، ۱۳۷۰.
۱۰. شوشتاری، محمد تقی. بیچ الصباء في شرح نهج‌البلاغة، تهران: انتشارات امیر کبیر، ۱۳۷۶.
۱۱. علی‌محمدی، محمد، محمد علی نژاد، روح‌الله، دهقانی، فرزاد. بازکاری استعاره‌های مفهومی لباس در قرآن و نهج‌البلاغه بر مبنای مدل لیکاف و جانسون، ذهن، ۹۳، ۱۹۷-۲۴۱، ۱۴۰۲.
۱۲. کدخدائی، مرضیه سادات، نجفی، علی، رسول‌نیا، امیر‌حسین و مدنی، امیر‌حسین. تبیین استعاره‌های مفهومی نهج‌البلاغه در حوزه خداشناسی، حدیث و اندیشه، ۳۵، ۲۷۸-۲۵۵.
۱۳. همانها، کاربست ساختارهای استعاری مفهوم عشق در نهج‌البلاغه بر مبنای نظریه لیکاف و جانسون، زبان‌کاروی کاربردی، ۶، (۳)، ۵۳-۸۳.
۱۴. معنیه، محمد جواد. فی ظلال نهج‌البلاغة، بیروت: دارالعلم للملائين، ۱۳۵۸.
۱۵. مکارم شیرازی، ناصر. پیام امام شرح تازه و جامع بر نهج‌البلاغه، تهران: دارالکتب الإسلامية، ۱۳۸۰.
۱۶. موسوی، سید عباس علی. شرح نهج‌البلاغه، بیروت: دارالرسول الگرام - دار محجة البيضا، ۱۴۱۸ق.
۱۷. تقوی قائی، محمد تقی. مفتاح السعادة، تهران: مکتبة المصطفوی، ۱۳۸۴.
۱۸. هاشمی خوئی، میرزا حبیب‌الله و حسن زاده آملی، حسن و کمره‌ای، محمد باقر (۱۳۶۴)، منهج البراعة فی شرح نهج‌البلاغة، تصحیح: ابراهیم میانجی، تهران: المکتبة الإسلامية، ۱۳۶۴.
19. Evans, Vyvyan & Green, Melanie, *Cognitive linguistics: An introduction*. London, Edinburg: Edinburg University Press, 2006.
20. Grady, James, E., Metaphor. In Geeraerts, D. and Cuyckens, H. (Ed.); *The Oxford Handbook of Cognitive Linguistics*, New York: Oxford University Press, 188- 213, 2007.
21. Kóvecses, Zoltan, *Metaphor: A practical introduction*. Oxford: Oxford University Press, 2010.
22. Lakoff, George & Johnson, Mark, *Metaphors we live by*. Chicago: The University of Chicago Press, 1980.
23. Lakoff, George & Johnson, Mark, *Metaphors we live by*. London: The University of Chicago Press, 2003.
24. Lakoff, George, The contemporary theory of metaphor. In Andrew Ortony (Ed.) *Metaphor and Thought* (2nd ed.), Cambridge: Cambridge University Press, 202- 251, 1993.
25. Reddy, Michael J., The conduct metaphor: A case of frame conflict in our language. In Andrew Ortony (Ed.) *Metaphor and Thought* (2nd ed.), Cambridge: Cambridge University Press, 284- 324, 1979.

26. Ungerer, Friedrich & Schmid, Hans- Jörg, *An introduction to cognitive linguistics*. (2nd ed.), Harlow: Pearson Education Limited, 2006.
27. Zare, Afarin, The animalification of the world in Nahj al-Balaghah: The cognitive approach. *Alameed Journal*. 11, (42), 212-237, 2022a.
28. Zare, Afarin, Conceptualizing the world in the words of Imam Ali according to the theory of conceptual metaphor: An investigation of metaphors conceptualized based on comestibles. *Adab Al-Kufa Journal*. 54 (2), 532-552, 2022b.
29. Zare, Afarin, A Linguistic Analysis of the Metaphor THE WORLD IS A PLANT in the Nahj Al-Balagha Language (The Cognitive Semantics Approach). *Journal of the college of basic education for educational and human sciences*. 59, (15), 822- 832, 2023a.
30. Zare, Afarin, The role of cognitive metaphor in the formation and presentation of Imam Ali's Ideological System in Nahj al-Balaghah: The analysis of the conceptual metaphors: THE WORLD IS AN INFERIOR, DETESTABLE OBJECT as examples. *Al-Adab Journal*. 147, 1-19, 2023b.